

به نام خدا

تأثیر فقر بر آموزش

مولفان :

زهرا شهبازی

مریم برائی نژاد

اعظم چرامین

سیده زکیه حسینی

حسن خواجهویی بازمانده

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۳)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: شهبازی، زهرا، ۱۳۵۳
عنوان و نام پدیدآور: تأثیر فقر بر آموزش / مولفان زهرا شهبازی، مریم برائی نژاد، اعظم چرامین، سیده زکیه حسینی، حسن خواجویی بازمانده.
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: ۱۱۲ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۲۴۴-۲
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: آموزش - تأثیر فقر
شناسه افزوده: برائی نژاد، مریم، ۱۳۵۶
شناسه افزوده: چرامین، اعظم، ۱۳۵۳
شناسه افزوده: حسینی، سیده زکیه، ۱۳۶۶
شناسه افزوده: خواجویی بازمانده، حسن، ۱۳۸۰
رده بندی کنگره: PN۲۱۶۱
رده بندی دیویی: ۸۰۹/۲۲۱
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۹۳۸۷۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: تأثیر فقر بر آموزش
مولفان: زهرا شهبازی - مریم برائی نژاد - اعظم چرامین - سیده زکیه حسینی - حسن خواجویی بازمانده
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳
چاپ: زبرجد
قیمت: ۱۱۲۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۲۴۴-۲
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



Chaponashr.ir

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	فصل اول: درک فقر
۵	تعریف فقر
۷	آمار جهانی فقر
۱۲	علل فقر
۱۶	فقر در مناطق مختلف
۱۹	نابرابری اقتصادی
۲۳	عوامل اجتماعی و فرهنگی
۲۷	فقر و سیاست های دولت
۳۱	اندازه گیری فقر
۳۷	فصل دوم: تحصیل و فقر
۳۷	نقش آموزش و پرورش در جامعه
۴۱	دسترسی به آموزش
۴۳	کیفیت آموزش
۴۵	موانع اقتصادی
۴۷	موانع اجتماعی
۵۰	موانع فرهنگی
۵۲	پاسخ های خط مشی
۵۴	مطالعات موردی
۵۷	فصل سوم: آموزش در دوران کودکی
۵۷	اهمیت آموزش اولیه
۵۹	فقر و توسعه اولیه
۶۱	دسترسی به برنامه های دوران کودکی
۶۳	کیفیت آموزش اولیه
۶۵	محیط خانه
۶۷	مشارکت والدین
۶۹	ابتکارات دولت
۷۱	اثرات بلند مدت
۷۵	فصل چهارم: چالش های آموزش ابتدایی
۷۵	نرخ های ثبت نام

۷۷	مسائل حضور و غیاب.....
۸۰	زیرساخت مدرسه.....
۸۲	کیفیت معلم.....
۸۴	مواد آموزشی.....
۸۶	تغذیه و سلامت.....
۸۸	پشتیبانی جامعه.....
۹۱	مطالعات موردی.....
۹۳	فصل پنجم: موانع آموزش متوسطه
۹۳	انتقال از ابتدایی به ثانویه.....
۹۵	نرخ ترک تحصیل.....
۹۸	فشارهای اقتصادی.....
۱۰۰	نابرابری های جنسیتی.....
۱۰۲	آموزش حرفه ای.....
۱۰۵	نقش فناوری.....
۱۰۹	منابع و مآخذ

فصل اول

درک فقر

تعریف فقر

فقر یک پدیده چندوجهی است که فراتر از کمبود درآمد است. مجموعه ای از کمبودها در جنبه های مختلف زندگی از جمله بهداشت، آموزش و استانداردهای زندگی را در بر می گیرد که به طور پیچیده ای به هم مرتبط هستند. تعریف فقر به دلیل ماهیت پیچیده و پویای آن کار ساده ای نیست، اما برای توسعه راهبردهای مؤثر برای مبارزه با اثرات آن، به ویژه در حوزه آموزش، حیاتی است.

برای درک فقر، باید با تمایز اساسی بین فقر مطلق و نسبی شروع کرد. فقر مطلق توسط بانک جهانی به عنوان زندگی با کمتر از ۱.۹۰ دلار در روز تعریف شده است، آستانه ای که افرادی را که قادر به برآورده کردن حداقل شرایط لازم برای بقا مانند غذا، سرپناه و پوشاک نیستند، مشخص می کند. این معیار، اگرچه به طور گسترده مورد استفاده قرار می گیرد، به دلیل تمرکز محدود آن بر درآمد و عدم توجه به سایر ابعاد فقر مورد انتقاد قرار گرفته است. از سوی دیگر، فقر نسبی در ارتباط با سطح زندگی در یک جامعه خاص تعریف می شود. بر نابرابری های درون یک جامعه تأکید می کند و افراد را در صورتی فقیر می داند که به طور قابل توجهی از یک شهروند عادی بدتر باشند، در نتیجه دسترسی به منابع و فرصت هایی که امکان مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی جامعه را ممکن می سازد، ندارند. (واعظی et al., 2018)

ماهیت چند بعدی فقر از طریق چارچوب هایی مانند شاخص فقر چند بعدی (MPI) که فاکتورهای مختلفی مانند آموزش، سلامت و استانداردهای زندگی را در نظر می گیرد، بهتر درک می شود. این رویکرد وابستگی متقابل این عوامل را برجسته می کند و اینکه چگونه محرومیت در یک حوزه می تواند کمبودها را در منطقه دیگر تشدید کند. به

عنوان مثال، سلامت ضعیف می تواند منجر به پایین آمدن سطح تحصیلات شود، که به نوبه خود فرصت های شغلی و پتانسیل درآمد را محدود می کند، در نتیجه چرخه فقر را تداوم می بخشد.

فقر پیامدهای گسترده ای برای آموزش دارد. کودکانی که در زمینه های فقیر هستند اغلب با موانع متعددی روبرو هستند که مانع پیشرفت تحصیلی آنها می شود. این موانع شامل تغذیه ناکافی است که بر رشد شناختی و ظرفیت یادگیری تأثیر می گذارد. سلامت ضعیف و عدم دسترسی به مراقبت های بهداشتی؛ و کمبود منابع آموزشی و پشتیبانی در خانه. مدارس در مناطق فقیر نیز ممکن است با کمبود بودجه و کمبود نیرو مواجه باشند، زیرا زیرساخت ها و مواد آموزشی ناکافی است که نابرابری های آموزشی را تشدید می کند. (نظری 2022, et al.)

تأثیر فقر بر آموزش از دوران کودکی مشهود است. تحقیقات نشان داده است که کودکان خانواده های کم درآمد کمتر در برنامه های آموزشی دوران کودکی ثبت نام می شوند، برنامه هایی که برای توسعه مهارت های اساسی در سواد و محاسبه بسیار مهم است. آنها همچنین وقتی وارد مدرسه می شوند واژگان کوچک تر و سطوح پایین تری از عملکرد شناختی دارند، که می تواند آنها را در مقایسه با همسالان خود با پیشینه های مرفه تر عقب نشینی کند. این ضعف اولیه اغلب در طول سفر تحصیلی آنها ادامه می یابد و منجر به پیشرفت تحصیلی کمتر و نرخ ترک تحصیل بیشتر می شود.

علاوه بر این موانع ملموس، عوامل روانی و اجتماعی نیز وجود دارد که به نابرابری های آموزشی ناشی از فقر کمک می کند. کودکان خانواده های کم درآمد ممکن است سطوح بالاتری از استرس و اضطراب را به دلیل بی ثباتی مالی و سایر مسائل مرتبط تجربه کنند. این استرس می تواند بر توانایی آنها برای تمرکز و عملکرد خوب در مدرسه تأثیر بگذارد. آنها همچنین ممکن است آرزوها و عزت نفس پایین تری داشته باشند که ناشی از فقدان الگوهای مثبت و شبکه های حمایتی است. این عوامل می تواند انگیزه و مشارکت آنها در فعالیت های آموزشی را کاهش دهد و فرصت های موفقیت آنها را بیشتر محدود کند. (نادمی 2022, et al.)

پرداختن به تأثیر فقر بر آموزش نیازمند رویکردی جامع و چندوجهی است. سیاست ها و مداخلات نه تنها باید هدفشان کاهش محدودیت های مالی خانواده های کم درآمد باشد، بلکه باید به عوامل اجتماعی و محیطی گسترده تری که به نابرابری های آموزشی کمک

می‌کنند، رسیدگی کند. این شامل بهبود دسترسی به آموزش با کیفیت در دوران کودکی، ارائه حمایت‌های تغذیه‌ای و مراقبت‌های بهداشتی، و سرمایه‌گذاری در مدارس در مناطق محروم برای اطمینان از برخورداری از منابع و زیرساخت‌های کافی است.

علاوه بر این، ایجاد یک محیط آموزشی حمایتی و فراگیر که چالش‌های منحصربه‌فردی که دانش‌آموزان با پیشینه‌های فقیر با آن‌ها مواجه هستند را شناسایی کرده و به آنها رسیدگی کند، مهم است. این می‌تواند شامل آموزش معلمان برای آگاهی بیشتر از تأثیرات فقر بر یادگیری و تجهیز آنها به راهبردهایی برای حمایت مؤثر از این دانش‌آموزان باشد. مدارس همچنین می‌توانند برنامه‌هایی را اجرا کنند که حمایت آکادمیک اضافی، مانند تدریس خصوصی و مربیگری، و ایجاد مشارکت با سازمان‌های اجتماعی برای ارائه خدمات حمایتی جامع را فراهم کنند. (نادمی et al., 2019)

برای مبارزه مؤثر با فقر و تأثیر آن بر آموزش، اتخاذ رویکردی جامع و یکپارچه که ابعاد مختلف فقر و به هم پیوستگی آنها را در نظر می‌گیرد، ضروری است. این امر مستلزم همکاری بین دولت‌ها، مؤسسات آموزشی، سازمان‌های غیردولتی و جوامع برای توسعه و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌هایی است که به علل ریشه‌ای فقر و ارائه راه‌حل‌های پایدار می‌پردازد. با انجام این کار، ما می‌توانیم یک سیستم آموزشی عادلانه‌تر و فراگیر ایجاد کنیم که به همه کودکان، صرف‌نظر از پیشینه اجتماعی-اقتصادی‌شان، امکان می‌دهد تا به پتانسیل کامل خود برسند و به توسعه جامعه‌ای عادلانه و مرفه کمک کنند.

آمار جهانی فقر

فقر یک مسئله فراگیر است که میلیون‌ها فرد و خانواده را در سراسر جهان تحت تأثیر قرار می‌دهد. درک مقیاس و پیامدهای فقر جهانی برای پرداختن به تأثیر آن بر آموزش و سایر جنبه‌های جامعه بسیار مهم است. طبق گزارش بانک جهانی، در سال ۲۰۱۸، تقریباً ۹.۲ درصد از جمعیت جهان با کمتر از ۱.۹۰ دلار در روز زندگی می‌کردند که خط فقر بین‌المللی است. این معادل حدود ۶۸۹ میلیون نفر است که در فقر شدید زندگی می‌کنند که بسیاری از آنها در جنوب صحرای آفریقا و جنوب آسیا زندگی می‌کنند. (مهربانی، ۲۰۰۸)

کشورهای جنوب صحرای آفریقا به ویژه از فقر شدید آسیب دیده اند و حدود ۴۰ درصد از جمعیت این منطقه زیر خط فقر بین المللی زندگی می کنند. این منطقه در مقایسه با سایر نقاط جهان پیشرفت کندتری در کاهش فقر داشته است. عوامل متعددی در ایجاد این رکود نقش دارند، از جمله بی ثباتی سیاسی، درگیری ها و رشد اقتصادی ضعیف. علاوه بر این، کشورهای جنوب صحرای آفریقا نرخ رشد جمعیت بالایی دارند که تلاش ها برای کاهش فقر را پیچیده می کند، زیرا رشد اقتصادی باید از رشد جمعیت پیشی بگیرد تا به کاهش قابل توجه فقر دست یابد.

جنوب آسیا، در حالی که پیشرفت قابل توجهی در کاهش فقر نشان می دهد، هنوز هم تعداد قابل توجهی از مردم در فقر شدید زندگی می کنند. هند، پرجمعیت ترین کشور منطقه، گام های قابل توجهی در رهایی مردم از فقر برداشته است. با این حال، با وجود این پیشرفت ها، میلیون ها نفر در هند هنوز زیر خط فقر زندگی می کنند، به ویژه در مناطق روستایی و در میان جوامع حاشیه نشین. بنگلادش و پاکستان نیز با چالش های فقر قابل توجهی روبرو هستند، زیرا بخش بزرگی از جمعیت آن ها برای تامین نیازهای اولیه تلاش می کنند. (منصوریان 2013, et al.)

آمریکای لاتین و دریای کارائیب تصویر متفاوتی در مورد کاهش فقر دیده اند. کشورهایی مانند برزیل و شیلی برنامه های اجتماعی موفق را اجرا کرده اند که نرخ فقر را به میزان قابل توجهی کاهش داده است. با این حال، بحران های اقتصادی، بی ثباتی سیاسی و بلایای طبیعی مانع از پیشرفت سایر کشورهای منطقه شده است. برای مثال، فروپاشی اقتصادی ونزوئلا منجر به افزایش چشمگیر فقر شده است و سال ها پیشرفت را معکوس کرده است.

در شرق آسیا و اقیانوسیه، رشد سریع اقتصادی چین صدها میلیون نفر را از فقر خارج کرده است که یکی از مهم ترین دستاوردها در زمینه کاهش فقر در تاریخ است. با این حال، فقر در برخی از مناطق چین، به ویژه در مناطق روستایی و دورافتاده، همچنان یک چالش است. سایر کشورهای منطقه مانند اندونزی و فیلیپین نیز پیشرفت قابل توجهی داشته اند اما همچنان با فقر دست و پنجه نرم می کنند، به ویژه در مناطق روستایی و در میان جمعیت های بومی.

منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا دارای پویایی منحصر به فرد فقر است که تحت تأثیر ثروت و درگیری است. در حالی که برخی از کشورها مانند کشورهای خلیج فارس به

دلیل درآمدهای نفتی قابل توجهی از نرخ فقر بسیار پایین برخوردارند، برخی دیگر مانند یمن و سوریه به دلیل درگیری های مداوم و بی ثباتی اقتصادی شاهد افزایش سطح فقر بوده اند. وضعیت در این کشورهای متأثر از درگیری، تأثیر متقابل پیچیده بین ثبات سیاسی و فقر را برجسته می کند. (معززی 2016, et al.)

کشورهای پردرآمد از فقر در امان نیستند، هرچند که این وضعیت متفاوت از کشورهای با درآمد کم و متوسط است. به عنوان مثال، در ایالات متحده، طبق اداره سرشماری ایالات متحده، حدود ۱۰.۵٪ از جمعیت در سال ۲۰۱۹ زیر خط فقر ملی زندگی می کردند. مسائلی مانند نابرابری درآمد، بیکاری و نژادپرستی سیستماتیک به فقر در کشورهای پردرآمد کمک می کند. بی خانمانی، ناامنی غذایی، و عدم دسترسی به مراقبت های بهداشتی مقرون به صرفه از جمله مسائل مبرمی است که مردم در فقر در این کشورها با آن مواجه هستند.

آمارهای جهانی فقر نیز نابرابری های قابل توجهی را در داخل کشورها نشان می دهد. شکاف شهری و روستایی رایج است، به طوری که مناطق روستایی اغلب نرخ فقر بالاتری نسبت به مراکز شهری دارند. این شکاف به دلیل عوامل متعددی از جمله دسترسی محدود به آموزش، مراقبت های بهداشتی و فرصت های شغلی در مناطق روستایی است. علاوه بر این، گروه های به حاشیه رانده شده، مانند اقلیت های قومی، مردم بومی و زنان، به طور نامتناسبی تحت تاثیر فقر قرار دارند. به عنوان مثال، زنان به دلیل تبعیض جنسیتی، دستمزدهای پایین تر و مسئولیت های مراقبتی بیشتر، بیشتر در فقر زندگی می کنند. (کامجو 2024, et al.)

آموزش هم علت و هم پیامد فقر است. کودکان خانواده های فقیر اغلب دسترسی محدودی به آموزش با کیفیت دارند و این امر چرخه فقر را تداوم می بخشد. یونسکو تخمین می زند که ۲۵۸ میلیون کودک و نوجوان در سال ۲۰۱۸ از مدرسه بازمانده اند و فقر مانع مهمی برای آموزش است. در بسیاری از کشورهای کم درآمد، خانواده ها قادر به پرداخت هزینه های مدرسه، لباس، یا لوازم نیستند و کودکان ممکن است به جای حضور در مدرسه، برای حمایت از خانواده خود نیاز به کار داشته باشند. حتی زمانی که کودکان می توانند به مدرسه بروند، کیفیت آموزش اغلب به دلیل کمبود بودجه مدارس، کمبود معلمان آموزش دیده و زیرساخت های ضعیف ناکافی است.

تأثیر فقر بر آموزش عمیق و چندوجهی است. بچه های خانواده های فقیر بیشتر احتمال دارد که مدرسه را دیر شروع کنند، زودتر ترک کنند و به نتایج تحصیلی کمتری دست یابند. سوء تغذیه، سلامت نامناسب و عدم دسترسی به آموزش در دوران کودکی از جمله عواملی است که مانع از پیشرفت تحصیلی کودکانی است که در فقر زندگی می کنند. علاوه بر این، مدارس در مناطق فقیر اغلب فاقد امکانات اولیه مانند آب تمیز، تأسیسات بهداشتی، و برق هستند، که بیشتر محیط آموزشی را مختل می کند. (کامجو et al., 2024)

برعکس، آموزش ابزاری قدرتمند برای کاهش فقر است. مطالعات نشان داده اند که هر سال تحصیلی اضافی می تواند درآمد یک فرد را به طور متوسط ۱۰٪ افزایش دهد. آموزش افراد را با مهارت ها و دانش مورد نیاز برای دستیابی به فرصت های شغلی بهتر، بهبود سلامت و مشارکت بیشتر در جامعه توانمند می کند. برای دختران، آموزش به ویژه دگرگون کننده است و منجر به تاخیر در ازدواج، کاهش نرخ باروری و بهبود نتایج برای فرزندانشان می شود.

سرمایه گذاری در آموزش و پرورش برای شکستن چرخه فقر حیاتی است. دولت ها و سازمان های بین المللی نقشی حیاتی در تأمین بودجه، منابع و حمایت سیاستی برای اطمینان از دسترسی همه کودکان به آموزش با کیفیت دارند. رویکردهای نوآورانه، مانند برنامه های انتقال نقدی مشروط، که مشوق های مالی را برای خانواده ها برای نگه داشتن فرزندانشان در مدرسه فراهم می کند، در بهبود نتایج آموزشی و کاهش فقر موفق بوده است. (کاشی et al., 2012)

همه گیری COVID-19 فقر جهانی و تأثیر آن بر آموزش را تشدید کرده است. بانک جهانی تخمین زد که این بیماری همه گیر می تواند ۸۸ تا ۱۱۵ میلیون نفر دیگر را در سال ۲۰۲۰ به فقر شدید سوق دهد که در مجموع تا سال ۲۰۲۱ به ۱۵۰ میلیون نفر می رسد. ایجاد اختلال در آموزش کودکان و جوانان در تمام سطوح درآمدی. با این حال، کودکان خانواده های فقیر به دلیل دسترسی محدود به فناوری های یادگیری از راه دور، مانند اینترنت و رایانه، به طور نامتناسبی تحت تأثیر قرار گرفتند.

این بیماری همه گیر همچنین اهمیت اقدامات حمایت اجتماعی در کاهش تأثیر فقر را برجسته کرده است. کشورهایایی که شبکه های ایمنی اجتماعی قوی داشتند، مانند مزایای بیکاری، برنامه های کمک غذایی، و پوشش مراقبت های بهداشتی، بهتر می

توانستند از جمعیت خود در طول بحران حمایت کنند. در مقابل، آنهایی که چنین سیستم‌هایی را نداشتند با چالش‌های بزرگ‌تری در پرداختن به پیامدهای اقتصادی و اجتماعی همه‌گیری مواجه بودند.

پرداختن به فقر جهانی نیازمند رویکردی چندوجهی است که شامل رشد اقتصادی، حمایت اجتماعی و مداخلات هدفمند برای حمایت از جمعیت‌های آسیب‌پذیر است. سیاست‌هایی که رشد اقتصادی فراگیر را ترویج می‌کنند، مانند سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، ایجاد شغل و تجارت منصفانه، برای کاهش فقر ضروری هستند. اقدامات حمایت اجتماعی، از جمله نقل و انتقالات نقدی، کمک‌های غذایی، و مراقبت‌های بهداشتی، یک شبکه ایمنی برای کسانی که در فقر زندگی می‌کنند فراهم می‌کند و به ایجاد تاب‌آوری در برابر شوک‌های اقتصادی کمک می‌کند. (فر، ۲۰۱۵)

همکاری و کمک بین‌المللی نیز در مبارزه با فقر جهانی بسیار مهم است. کشورهای توسعه‌یافته و سازمان‌های بین‌المللی بودجه، کمک‌های فنی و حمایت از سیاست‌ها را به کشورهای کم‌درآمد و متوسط ارائه می‌کنند. ابتکاراتی مانند اهداف توسعه پایدار (SDGs) تعیین شده توسط سازمان ملل متحد با هدف پایان دادن به فقر در همه اشکال آن تا سال ۲۰۳۰ است. دستیابی به این هدف بلندپروازانه نیازمند تلاش‌های هماهنگ دولت‌ها، جامعه مدنی و بخش خصوصی است. (علمی & تبار، ۲۰۱۲)

علاوه بر این، پرداختن به علل ساختاری فقر، مانند نابرابری و تبعیض، برای ایجاد جهانی عادلانه‌تر حیاتی است. سیاست‌هایی که برابری جنسیتی را ترویج می‌کنند، از حقوق گروه‌های به حاشیه رانده محافظت می‌کنند و دسترسی عادلانه به منابع و فرصت‌ها را تضمین می‌کنند، برای کاهش پایدار فقر ضروری هستند. به عنوان مثال، سیاست‌های اصلاحات ارضی که حقوق مالکیت را به زنان و مردم بومی اعطا می‌کند، می‌تواند این گروه‌ها را از نظر اقتصادی و اجتماعی توانمند کند.

تغییر اقلیم عامل مهم دیگری است که با فقر تلاقی می‌کند. جوامع فقیر اغلب آسیب‌پذیرترین افراد در برابر تأثیرات تغییرات آب و هوایی هستند، مانند رویدادهای شدید آب و هوایی، بالا آمدن سطح آب دریاها و ناامنی غذایی. سازگاری با اقلیم و استراتژی‌های کاهش، مانند سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر، کشاورزی پایدار، و کاهش خطر بلایا، برای حفاظت از جمعیت‌های آسیب‌پذیر و تضمین توسعه پایدار ضروری هستند.

آمارهای جهانی فقر چالش‌ها و نابرابری‌های قابل توجهی را که میلیون‌ها نفر در سراسر جهان با آن مواجه هستند، نشان می‌دهد. فقر یک موضوع پیچیده و چندوجهی است که نه تنها بر رفاه اقتصادی بلکه بر سلامت، آموزش و شمول اجتماعی نیز تأثیر می‌گذارد. پرداختن به فقر نیازمند رویکردی جامع و مشارکتی است که شامل رشد اقتصادی، حمایت اجتماعی، آموزش و مداخلات هدفمند برای حمایت از آسیب پذیرترین قشر است. با درک مقیاس و پیامدهای فقر جهانی، سیاست‌گذاران، سازمان‌های بین‌المللی و جامعه مدنی می‌توانند برای ایجاد جهانی عادلانه‌تر و عادلانه‌تر برای همه با یکدیگر همکاری کنند. (ظهوری et al., 2023)

علل فقر

فقر موضوعی چند وجهی است که افراد و جوامع را به طرق مختلف تحت تأثیر قرار می‌دهد. درک علل آن برای ابداع سیاست‌ها و مداخلات موثر بسیار مهم است. منشاء فقر پیچیده و در هم تنیده است و ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را در بر می‌گیرد. برای درک دامنه کامل علل فقر، بررسی طیفی از عوامل مؤثر، از جمله میراث تاریخی، ساختارهای اقتصادی، سیستم‌های آموزشی، دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی، هنجارهای اجتماعی و فرهنگی، و چارچوب‌های سیاست ضروری است. (طاهری & اسحاق, ۲۰۰۶)

از نظر تاریخی، فقر ریشه‌های عمیقی در استعمار و برده داری دارد که میراث ماندگاری در بسیاری از نقاط جهان به جا گذاشته است. استعمار اغلب شامل بهره برداری از منابع طبیعی و انسانی بود که منجر به نابرابری‌های اقتصادی بلندمدت می‌شد. کشورهایی که مستعمره بودند، حتی پس از به دست آوردن استقلال، به دلیل تأثیرات پایدار سیستم‌های اقتصادی مختل شده و استخراج ثروت توسط قدرت‌های استعماری، اغلب با فقر دست و پنجه نرم می‌کنند. بافت تاریخی برده داری را نیز نمی‌توان نادیده گرفت، به ویژه در کشورهایی مانند ایالات متحده، که در آن میراث برده داری تأثیر عمیقی بر وضعیت اجتماعی-اقتصادی آمریکایی‌های آفریقایی تبار داشته است. مضرات سیستمی تحمیل شده توسط برده داری و جداسازی منجر به فقر پایدار در میان بسیاری از نواذگان افراد برده شده شده است. (صادقی et al., 2011)

ساختارها و سیاست های اقتصادی نقش بسزایی در تداوم فقر دارند. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، اقتصادها با صنعتی شدن محدود، وابستگی به کشاورزی و عدم تنوع مشخص می شوند. چنین اقتصادهایی در برابر شوک های خارجی آسیب پذیر هستند، مانند نوسانات در قیمت کالاها و تغییرات آب و هوایی، که می تواند معیشت را ویران کند. علاوه بر این، سیاست های تجارت جهانی اغلب به ضرر کشورهای فقیرتر است. موانع تجاری، یارانه برای کشاورزی در کشورهای ثروتمند و قوانین مالکیت معنوی می تواند توانایی کشورهای در حال توسعه را برای رقابت در بازارهای جهانی محدود کند. این مسائل اقتصادی ساختاری با زیرساخت های ناکافی، مانند شبکه های حمل و نقل ضعیف و منابع انرژی غیرقابل اعتماد، که مانع رشد و توسعه اقتصادی می شوند، ترکیب می شوند.

بازار کار یکی دیگر از عوامل مهم است. در بسیاری از مناطق، اشتغال غیررسمی رواج دارد، جایی که کارگران فاقد امنیت شغلی، مزایا و دستمزد مناسب هستند. اشتغال غیررسمی می تواند افراد را در چرخه فقر به دام بیندازد، زیرا آنها قادر به پس انداز یا سرمایه گذاری در آینده خود نیستند. علاوه بر این، افزایش اتوماسیون و پیشرفت های فناوری منجر به جابجایی مشاغل در بخش های خاصی شده است که به بیکاری و بیکاری کمک می کند. فقدان فرصت های کاری مناسب اغلب به دلیل نابرابری های آموزشی تشدید می شود، جایی که دسترسی به آموزش با کیفیت برای افراد ساکن در جوامع فقیر محدود است. (شیروانیان 2012, et al.)

آموزش یکی از عوامل تعیین کننده تحرک اقتصادی است، اما تفاوت در دسترسی و کیفیت آموزشی فراگیر است. بچه های خانواده های کم درآمد معمولاً در مدارس که بودجه کمتری دارند، با منابع کمتر، معلمان کم تجربه و مواد قدیمی تر، تحصیل می کنند. این نابرابری های آموزشی مانع پیشرفت تحصیلی و محدود کردن فرصت های آینده می شود. علاوه بر این، آموزش عالی به طور فزاینده ای به یک پیش نیاز برای مشاغل با درآمد خوب تبدیل می شود، اما به دلیل هزینه های بالای شهریه و عدم حمایت مالی، اغلب برای افرادی که دارای پیشینه ضعیف هستند، غیرقابل دسترسی است. بنابراین شکاف دستیابی به تحصیلات، چرخه فقر را در بین نسل ها تداوم می بخشد.

دسترسی و کیفیت مراقبت های بهداشتی نیز بسیار مهم است. سلامت ضعیف می تواند هم علت و هم پیامد فقر باشد. افرادی که در فقر زندگی می کنند به دلیل تغذیه ناکافی،